

تبیین جغرافیایی ارمنستان

بر اساس منابع اسلامی



کارن خانلری

خانلری، کارن	
تبیین جغرافیایی ارمنستان بر اساس منابع اسلامی / کارن خانلری - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۷.	
۲۱۲ ص، نقشه.	
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۲۲۲-۱	ISBN 978-600-405-222-1
جغرافیای اسلامی - ارمنستان	Geography, Arab-Armenia (Republic)
ارمنستان - جغرافیای تاریخی	Armenia-Historical Geography
ارمنستان - تاریخ	Armenia (Republic)-History
G ۹۳/خ ۲۲	۹۱۰/۹۱۷۶۷۱



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
توزیع: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف
تلفن گویا: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶-۸۸۳۰۲۴۳۷-۸۸۳۱۰۵۰۰-۸۸۳۱۰۷۰۰-۸۸۸۶۱۶۶۶

• سایت اینترنتی: www.salesspublication.com

• پست الکترونیکی: info@salesspublication.com - salesspub@gmail.com

■ تبیین جغرافیایی ارمنستان بر اساس منابع اسلامی

- کارن خانلری • ناشر: نشر ثالث
- مجموعه تاریخ ایران و جهان و خاطرات سیاسی
- چاپ اول: ۱۳۹۸ / ۱۱۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: ثالث • چاپ: سازمان چاپ احمدی • صحافی: مینو
- کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.
- شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۲۲۲-۱
- ISBN 978-964-380-222-1

به یاد شادروان لئون آودیان، بازمانده از نسل‌کشی ارامنه،
و با سپاس از مساعدت‌های بی‌دریغ خانواده آودیان در راه چاپ و نشر این کتاب.
برای آن خانواده محترم آرزوی سعادت و بهروزی دارم.
کارن خانلری

فهرست

۱۱.....	پیش گفتار.....
۱۵.....	منابع اسلامی.....
۱۶.....	گونه شناسی منابع.....
۱۹.....	کرونولوژی سیاسی و مراحل تاریخی.....
۲۳.....	۱. دوره قرن نهم تا اواسط قرن یازدهم میلادی.....
۲۳.....	بن خردادبه.....
۲۶.....	بلاذری.....
۲۷.....	بتانی.....
۲۹.....	ابی یعقوب.....
۳۰.....	ابن فقیه همدانی.....
۳۱.....	حمد ابن رسته.....
۳۲.....	بن جعفر.....
۳۳.....	مسعودی.....
۳۴.....	اصطخری.....
۳۸.....	بن حوقل.....
۳۹.....	سهراب.....
۴۰.....	دائرة المعارف/خوان الصفا و خالان الوفا.....
۴۱.....	ابودلف.....
۴۴.....	مقدسی.....
۴۵.....	کتاب حایو العالم من المشرق الى المغرب.....
۴۷.....	بشاری.....
۴۸.....	کتاب غرائب الفنون و ملاح العیون.....
۵۰.....	ابوریحان بیرونی.....
۵۱.....	گردیزی.....
۵۲.....	بکری.....
۵۵.....	۲. دوره ۱۰۸۰ الی ۱۳۷۵ میلادی.....
۵۵.....	خازنی.....
۵۶.....	ادریسی.....
۵۸.....	محمد طوسی.....
۶۰.....	اسکندری.....

۶۱.....	حازمی.....
۶۳.....	بکران خراسانی.....
۶۵.....	یاقوت حموی.....
۶۷.....	البری.....
۶۸.....	مغربی.....
۶۹.....	ابن خلکان.....
۷۰.....	زکریای قزوینی.....
۷۲.....	دمشقی.....
۷۲.....	بغدادی.....
۷۴.....	ذهبی.....
۷۵.....	نویری.....
۷۶.....	۲-۱۶- ابن الوردی.....
۷۸.....	نیشاپوری.....
۸۰.....	ابوالفداء.....
۸۲.....	حمیری.....
۸۳.....	مستوفی.....
۸۶.....	عمری.....
۸۷.....	چغمینی.....
۸۹.....	ابن بطوطه.....
۸۹.....	ابن خلدون.....
۹۲.....	۳. دوره ۱۳۷۵ الی ۱۸۱۳ میلادی.....
۹۳.....	گرگانی (جرجانی).....
۹۴.....	قلقشندی.....
۹۵.....	حافظ ابرو.....
۹۷.....	الغ (اولوغ) بیگ.....
۹۸.....	سمرقندی (قوشچی).....
۱۰۰.....	خواند میر.....
۱۰۱.....	سبط ماردینی.....
۱۰۴.....	ابن ماجد.....
۱۰۷.....	سیوطی.....
۱۰۸.....	نعیمی.....
۱۰۹.....	ابن ایاس.....
۱۰۹.....	حاجی احمد.....
۱۱۱.....	سپاهی زاده.....
۱۱۱.....	قرمانی.....
۱۱۴.....	خواجہ سعدالدین.....
۱۱۵.....	گلیبولولو.....
۱۱۸.....	ناگوری.....
۱۲۰.....	صادق اصفهانی.....
۱۲۲.....	کاتب چلبی.....

۱۲۴.....	منجم باشی.....
۱۲۵.....	رضوان مصری.....
۱۲۶.....	لاذقی.....
۱۳۱.....	حقى ارضرومی.....
۱۳۲.....	رایف افندی.....
۱۳۴.....	دهلوی.....
۱۳۵.....	۴. دوره ۱۸۱۳ الی ۱۸۸۵ میلادی.....
۱۳۵.....	زین العابدین شیروانی.....
۱۳۶.....	طهطاوی.....
۱۳۷.....	مدخل علوم.....
۱۳۸.....	آلوسی.....
۱۳۹.....	خیر الله افندی.....
۱۴۰.....	معتمد الدوله.....
۱۴۲.....	جودت پاشا.....
۱۴۳.....	وفیق پاشا.....
۱۴۵.....	بوستانی زاده.....
۱۴۶.....	اندرونی.....
۱۴۷.....	عاطف محمد.....
۱۴۷.....	سعاوی.....
۱۴۸.....	حسنی پاشا.....
۱۵۰.....	خوری.....
۱۵۱.....	احمد شیروانی.....
۱۵۱.....	اعتماد السلطنه.....
۱۵۳.....	سامی، عزیز و شوقی.....
۱۵۴.....	رفعت افندی.....
۱۵۷.....	میزانتچی.....
۱۵۸.....	نقشه «سوریه بیوک کاربان گذرگاهی».....
۱۵۹.....	نقشه «خارطه المملکه العثمانیه».....
۱۶۰.....	نجم الدوله.....
۱۶۲.....	دیاربکری.....
۱۶۵.....	۵. دوره ۱۸۸۵ الی ۱۹۰۹ میلادی.....
۱۶۸.....	فرخ.....
۱۶۹.....	حکیم.....
۱۷۱.....	فراشری.....
۱۷۴.....	انصاری.....
۱۷۵.....	عماد السلطنه.....
۱۷۶.....	زکی پاشا.....
۱۷۸.....	اسماعیل علی.....
۱۸۱.....	شرف بیگ.....
۱۸۳.....	قارچین زاده.....

۱۸۵.....	۶. دورہ ۱۹۰۹ء الی ۱۹۲۲ء میلادی.....
۱۸۶.....	احمد رفیق.....
۱۸۸.....	احمد راسم.....
۱۸۹.....	احمد رشید.....
۱۹۰.....	علی سیدی.....
۱۹۳.....	نجیم عاصم.....
۱۹۴.....	شیخ محسن فانی.....
۱۹۶.....	گیون آلتای.....
۱۹۸.....	فخرالدین.....
۱۹۹.....	موسوی تبریزی.....
۲۰۳.....	گفتار پایانی.....
۲۰۷.....	منابع.....

پیش‌گفتار

ارمنستان از کشورهای کهن جهان و قدیمی‌ترین همسایه ایران است. صفحات تاریخ پرفراز و نشیب این کشور مملو از جنگ‌ها، کشتارها و مهاجرت‌های اجباری ساکنان این سرزمین کهن است. پس از گذار از یک فرایند تاریخی طولانی، دست به تحریف تاریخ و دستکاری جغرافیای سیاسی زده‌اند.

یکی از این گونه تحریفات سازمان‌یافته کتابی است به نام *ادعاهای ارمنه و واقعیت‌های تاریخی*، که «مرکز پژوهش‌های راهبردی آنکارا» تحریر کرده‌است و ارسال فصیحی آن را ترجمه کرده و در سال ۲۰۱۵ چاپ شده است. کتاب شامل چندین پرسش و پاسخ در باره «مسئله ارمنی» است. در پاسخ نخستین پرسش که «آیا آناتولی شرقی سرزمین مادری ارمنه است؟»، گفته می‌شود: «خاستگاه ارمنی‌ها شبه‌جزیره بالکان است و آن‌ها به نژادی تراکیه‌ای و فریگیه‌ای تعلق دارند.»^۱ و نیز ادامه داده می‌شود: «...در پشت این ادعاهای محافل ارمنی این خواست نهفته است که موجودیت ارمنه را در آناتولی شرقی تا آن‌جا که امکان دارد به عقب ببرند، آناتولی شرقی را به مثابه سرزمین مادری ارمنه جلوه دهند و این پیشینه را همچون موجودیت قدیم فرهنگی به جهانیان تقدیم کنند. به این ترتیب می‌خواهند این ادعا را نیز مطرح کنند که ترک‌ها سرزمین‌های چند هزار ساله ارمنه را اشغال کرده‌اند. این ادعا بی‌جاست»^۲.

یعقوب محمودف نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان، رئیس انیستیتوی تاریخ آکادمی ملی علوم آذربایجان و یکی از پیشگامان اتحاد «پان‌آدریسم» و «پان‌ترکیسم» در دوران معاصر^۳ نیز سخنانی در این باب دارد. او در یکی از مقالاتش می‌نویسد: «ارمنستان بزرگ یک واقعیت تاریخی نیست، بلکه فقط و فقط در حد به اصطلاح ایدئولوژی ملی و دکتترین مذهبی-عقیدتی و تروریستی-اشغالگری

۱. *ادعاهای ارمنه و واقعیت‌های تاریخی*، مرکز پژوهش‌های راهبردی آنکارا، ترجمه ارسال فصیحی، تهران، ۲۰۱۵، ص ۱۰.
۲. همان مأخذ، ص ۱۱
۳. نک: az.wikipedia.org/wiki/Yaqub_Mahmudov

مرتجعی است که اشغال سرزمین‌های دیگران برای ارمنی‌های عشایری را هدف خویش قرار داده است که فاقد هر گونه سرزمین ثابت در طول تاریخ بوده‌اند.^۱

ناظم مصطفی، دکترای تاریخ، رئیس شعبه‌ای از کتابخانه ریاست جمهوری و کارشناس انستیتوی تاریخ آکادمی علوم جمهوری آذربایجان^۲، با تلفیق و انطباق دو دیدگاه کمونیستی و پان ترکیستی در باره «مسئله ارمنی»، حتی با زیر سؤال بردن حق تملک ارمنستان نسبت به ایروان، پایتخت ارمنستان، در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «گفته‌هایی مبنی بر این که گویا در قرن هفتم نشست روحانیون در دوین (ایروان) برگزار شده و در آن دو نفر از ارمنی‌ها نیز حضور داشته کذب محض است. این دروغ‌ها برای طرح ادعاهایی مبنی بر ارمنی بودن شهر باستانی ایروان بافته شده است. تاریخ ارمنی سرتاسر دروغ است. آنچه که مربوط می‌شود به اربونی، باید گفت که آن یک پایگاه نظامی در دوره پادشاهی اورارتو بوده است. در آن جا انبارهای مختلفی برای نگهداری مهمات ارتش احداث شده و آن منطقه مسکونی نبوده است. این چیزها را برای آن درست کرده‌اند تا اورارتو را یک دولت ارمنی اعلام کنند. ولی کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که چه اربونی و چه دولت اورارتو اصلاً هیچ ربطی به ارمنی‌ها نداشته است. ایروان نیز به عنوان یک دژ استحکام احداث شده و بعد شهری در حومه آن به وجود آمده است. این هم در دوره دولت صفوی اتفاق افتاده است. تا آن زمان ایروان یک روستای کوچک آذربایجانی‌نشین بوده است. ارمنی‌ها به عنوان مبلغین مسیحی وارد این سرزمین‌ها شده و در اراضی‌ای که در امتداد راه‌ها قرار داشته و با پول خود خریداری کرده بودند با رضایت حاکمان محلی جهت عبادت و تفریح خویش کاروانسرای‌ها و کلیساهایی را ساخته‌اند.»^۳

شایان ذکر است که دوین یا اربونی نام قدیمی ایروان بوده که در منابع اسلامی دون نیز آمده است. در این جا مشهود است که ناظم مصطفی برای توجیه اشغالگری سرزمین ارمنستان، راهبرد تاریخ‌سازی در باره اساس پیدایش ملت ارمنی را تجویز می‌کند.

تحریف دیگری از همین دست در کتاب صابر شاه‌تختی، فارغ‌التحصیل آکادمی نفت جمهوری آذربایجان^۴، تحت عنوان *ارمنستان بزرگ* آمده است. او معتقد است: «نیروهای بزرگ سعی دارند از ایدئولوژی ارمنستان بزرگ به عنوان یک حربه سیاسی علیه ترکیه و آذربایجان در دستور کار سیاسی استفاده کنند.»^۵ شاه‌تختی با تلاش بسیار برای نفی موجودیت تاریخی ارمنستان، در واقع صادقانه و تلویحی ادعان می‌دارد که بخش بزرگی از ارمنستان را به اشغال درآورده‌اند. از همین رو بلافاصله گرفتار

۱. نک: دروغ ((ارمنستان بزرگ)) <http://1905.az/fa>

۲. نک: ناظم مصطفی هم در جریان نسل‌کشی‌های سال ۹۰۵۱ <http://1905.az/fa>

۳. نک: ناظم مصطفی هم در جریان نسل‌کشی‌های سال ۹۰۵۱ <http://1905.az/fa>

۴. نک: Polatcan, Faruk, Sabir Şahtahî'nin Sözde "Büyük Ermenistan": Olgular Ve Kanıtlar Adli Eseri Üzerine, Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim Dergisi Sayı, TÜRKİYE, Mart, 2016, pp. 515-520

۵. Şahtahî, Sabir, Sözde "Büyük Ermenistan": Olgular ve Kanıtlar Adli Eseri Üzerine, Baku, 2015, pp. 8-9

رویکردهای نژادپرستی و یژه ایدئولوژی‌های پان‌شده و می‌نویسد: «ارامنه موذی و فریبکار هستند، اما نه قوی. آن‌ها کسانی هستند که از شان استفاده قرار می‌شود.»^۱

البته شاه‌تختی تحلیلی ارائه نمی‌دهد که چرا و بر اساس چه منطقی نیروهای بزرگ جهان، دو کشور قدرتمند منطقه و دو قطب نفتی و اقتصادی، با حدود مجموع صد میلیون جمعیت را یک کشور کوچک و یک ملت «ضعیف» و «موذی»، با حدود سه میلیون جمعیت، تهدید می‌کند. اگر چنین تحلیلی صورت می‌گرفت، شاید در کل حقیقتی دیگر آشکار می‌شد. حقیقتی که مسلماً بسیار مهم‌تر و پایاتر از شرایط و قید و بندهای سیاسی کنونی است و آن موضوع عدالت بشری و بحث حقانیت تاریخی است که در ایدئولوژی‌های برتری نژادی با محتوای استیلا و استعمار مانند پان‌ترکیسم ماهیتاً جایگاهی ندارند. بی‌شک مهم‌ترین و محوری‌ترین انگیزه راهبردی حزب «اتحاد و ترقی» در تدوین و اجرای برنامه نسل‌کشی ارمنیان، تحقق رویای دیرین سلاطین عثمانی برای تصاحب موطن ابا و اجدادی ارمنیان بوده است. تلاش‌های مستمر برای استحاله ملت‌های گوناگون، خصوصاً ارمنیان در بدنه امپراتوری عثمانی و بی‌ثمر بودن این تلاش‌ها، حکومت ترک‌های جوان (۱۹۱۸-۱۹۰۸) را بر آن داشت تا پاکسازی ارمنستان از ساکنان بومی را از طریق امحای فیزیکی و مهاجرت‌های اجباری از پیش سازمانده‌ی شده به اجرا درآورند. لایحه قانون «تهجیر» که در سال ۱۹۱۵ از طرف محمد طلعت، ناظر داخله وقت تدوین و به مجلس مبعوثان (پارلمان) عثمانی ارائه شد، در واقع زمینه حقوقی این نقشه پلید دولتی بود. بر اساس مفاد این لایحه باید روند کوچ اجباری ارمنیان از ارمنستان غربی^۲ و سایر مناطق همجوار^۳ که از زمان جنگ روسیه و عثمانی (۱۸۷۷-۱۸۷۸) و نیز روند کشتار جمعی که از سال ۱۸۹۴ در همین مناطق^۴ آغاز شده بود، تسریع شود.

با بررسی روند فوق و جزئیات نسل‌کشی ارمنیان، می‌توان اذان داشت که هدف غایی حکومت‌های متوالی ترکیه عثمانی از پاکسازی و تصرف تمام و کمال ارمنستان غربی، علاوه بر یکسان‌سازی اتنولوژیک عثمانی و ایجاد بستر مناسب برای نیل به «توران بزرگ»، خلاصی از معضلی به نام «مسئله ارمنی» یا «مسئله ارمنستان» بود. «معضلی» که نشانه‌های آن به تدریج از اوایل قرن نوزدهم میلادی بروز کرده بودند. سلاطین عثمانی تردید نداشتند که ارمنیان نیز همانند یونانیان، مقدونیه‌ها، بلغارها، آلبانیان و سایر ملل به زنجیر کشیده شده در عثمانی، سر به نافرمانی زده و دیر یا زود اعاده حق تعیین سرنوشت خواهند کرد. بر خلاف یونان، مقدونیه، بلغارستان و آلبانی، موقعیت ژئوپولیتیک ارمنستان ایجاب می‌کرد که رویکرد عثمانی در قبال «مسئله ارمنستان» کاملاً متفاوت از مسایل سایر کشورها

۱. همان‌جا، ص ۳۸. ۲. ولایات پنجگانه وان، ازضرم (کارین)، بتلیس (باقش)، طرابوزان (تراپیزون) و دیاربکر (تیکراناکرت)

۳. ولایات سیواس (سیاستیا)، معموره العزیز (خاربرت)، آطنه (آدانا) آنغوره (آنکارا) و غیره

۴. در خلال سال‌های ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۶ حدود سیصد هزار ارمنی در ولایات پنجگانه ارمنستان غربی و ولایت معموره العزیز (خاربرت) و در سال ۱۹۰۹ بیش از سی هزار ارمنی در ولایت آطنه (آدانا) کشتار جمعی قرار شده‌اند.

باشد. ارمنستان غربی دروازه راهبردی به شرق و تصرف سرزمین‌های «توران» برای حکومت عثمانی بود و از همین رو «مسئله ارمنستان» نوعاً خط قرمز پان‌تورانیسم محسوب می‌شد.

هدف از نگارش این کتاب، پرداختن به منابع جغرافیا و تاریخ اسلامی (اعم از دانشمندان ایرانی، عرب و عثمانی) در مقوله ارمنستان است که یک بازه زمانی هزارویکصد ساله از قرن نهم تا بیستم میلادی را دربر می‌گیرد. این موضوع با توجه به این‌که تاریخ‌نگاری رسمی ترکیه و آذربایجان موجودیت ارمنستان در سرحدات کنونی جمهوری ترکیه و نیز قواباغ را شدیداً نقض کرده است و نظریه‌های کاملاً نادرستی از جمله «اصرار بر ریشه‌های ترکی امپراتوری اورارتو»، «غیربومی بودن ملت ارمنی در ارمنستان غربی»، «مهاجرت ارمنیان از اروپا به آناتولی در هزاره اخیر» را به پیش می‌کشد، کاوش در باره مقوله ارمنستان در منابع جغرافیا و تاریخ اسلامی می‌تواند غیرعلمی بودن این نظریه‌های ساختگی تاریخ‌نگاری رسمی ترکیه و آذربایجان در راستای توجیه اشغال سرزمین ارمنستان را نشان دهد.

منابع اسلامی

برای بیان استدلال‌ات کافی در زمینه تبیین جغرافیای ارمنستان منابع اسلامی، یعنی کارهای تاریخی و جغرافیایی دانشمندان ایرانی، عرب و عثمانی را اساس قرار داده‌ایم. این روش استدلال چند دلیل اساسی دارد. نخست آن‌که با توجه به افول علمی اروپا در سده‌های میانه، دقت جغرافیایی دانشمندان اسلامی بالا و نسبتاً بی‌نقص است. در خلال سده‌های میانه، سرنگونی فرمانروایی روم به تغییرات عمده در روند رشد علم جغرافیا در جهان اسلام انجامید. جغرافیدانان مسلمان مانند شریف ادریسی نقشه‌های مبسوط جهان را ترسیم کردند، در حالی‌که جغرافیدانان دیگر مانند التانی، یاقوت حموی، ابوریحان بیرونی و ابن خلدون داده‌های دقیقی از جغرافیای مناطق گوناگون مهیا کرده‌اند.

افزون بر این، دانشمندان مسلمان کارهای متقدمین یونانی همانند بطلمیوس را نیز به خوبی تفسیر و تکمیل کرده و با کشف و اختراع اسطرلاب‌های (وسایل اندازه‌گیری نجومی) نوین بسیاری از داده‌های جغرافیایی را تصحیح و نقشه‌های جغرافیایی را مطابق با آن اصلاح کرده‌اند. در باره خدمات دانشمندان اسلامی به توسعه و پیشرفت علم جغرافیا می‌توان مطالب بسیار زیادی ادا کرد که از چارچوب تماتیک این تحقیق خارج است. لذا در این تحقیق تلاش شده تا در اثنای معرفی منابع اسلامی، به گوشه‌هایی از نوآوری‌ها و اصلاحات برجسته این بزرگان اشاره شود.

دلیل دیگر آن است که استفاده از منابع ارمنی یا اروپایی به دلایل صرفاً سیاسی و با یادآوری باور تاریخ‌نگاران معاصر ترکیه و جمهوری «آذربایجان» همچون ناظم مصطفی مبنی بر این‌که «تاریخ ارمنی سرتاسر دروغ است»^۱، میزان مقبولیت علمی این تحقیق و هدف اصلی را که همانا رد نظریه‌های نفی وجود سرزمین آبا و اجدادی ارمنه است خدشه‌دار کرد.

مورخان رسمی ترکیه و جمهوری آذربایجان به صورت سازمان‌یافته این فکر را تلقین می‌کنند که تمامی منابع و مآخذ تاریخی و جغرافیایی اروپایی که به هر نحوی اشاره‌ای به وجود ارمنستان دارند،

۱. نک: ناظم مصطفی هم در جریان نسل‌کشی‌های سال ۹۰۵۱/۱۹۰۵ <http://1905.az/fa>

تنها و تنها در خدمت اهداف امپریالیستی کشورهای قدرتمند بوده و کذب محضند. این نگرش برگرفته از روش‌شناسی ویژه مکاتب تام‌گرایانه است و مجادله علمی در چنین حوزه‌ای از ابتدا بیهوده و بی‌ثمر می‌نماید. بنابراین روش استناد به منابع اسلامی تا حد مؤثری می‌تواند روش‌شناسی تام‌گرایانه و غیرعلمی فوق را تعدیل کند.

نکته دیگر در روش ارائه این است که در ابتدای هر منبعی، زندگینامه مختصری از مؤلف آن آورده شده، زیرا به اعتقاد نگارنده داده‌های بیوگرافیک مؤلفان می‌تواند بر روشنگری مطالب برگرفته از منابع و غنای علمی موضوع مورد بحث بیفزاید.

گونه‌شناسی منابع

از انواع منابع مربوط به دانشمندان اسلامی، اطلاعات جغرافیایی کشورهای مختلف به صورت کلی یا جزئی به دست می‌آیند.

گونه‌ای از این منابع صرفاً محتوای جغرافیایی دارند که معمولاً با عناوینی چون:

«بلدان» و «بلدانیات»،

«بلد» و «بلاد»،

«اقالیم»،

«ممالک و مسالک»،

«امکنه» و «اماکن»،

«جبال»،

«بحار» و

«مواضع»

تحریر شده‌اند.

در برخی از این گونه منابع مستقیم جغرافیایی:

«خریطه» (نقشه)،

«خرائط» (مجموعه نقشه‌ها)،

«اطلس» و

«جهان‌نما»

هم به چشم می‌خورند.

غیر از این گونه از منابع تخصصی، اطلاعات جغرافیایی را می توان از جداول زمین شناسی و ستاره شناسی، با کلیدواژه هایی چون:

«زیج»،

«نجوم»،

«توقیت»،

«هیأت» یا «هیئت»،

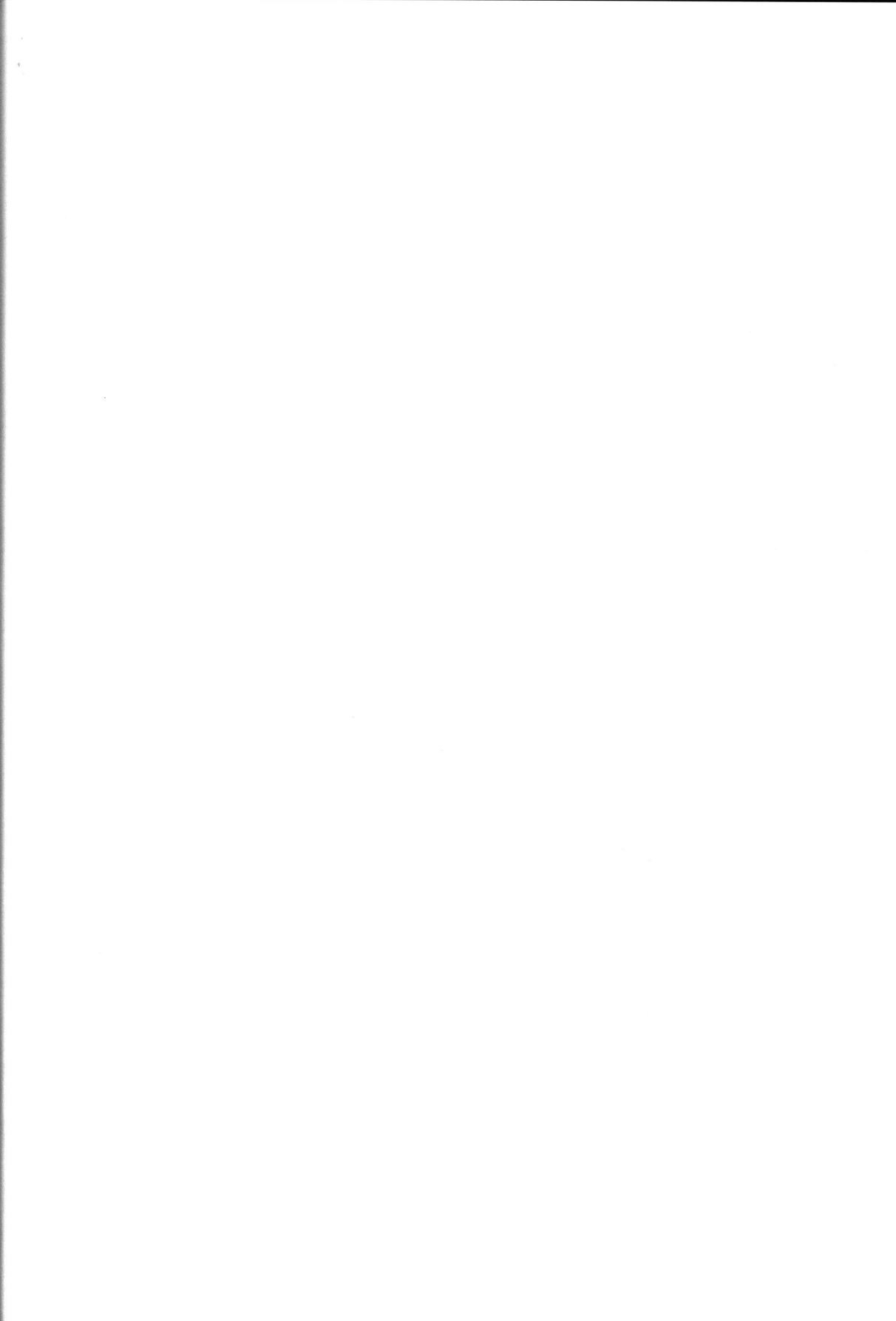
«فلک» و

«میقات»

به دست آورد.

فرهنگ نامه ها («دائرة المعارف»)، واژه نامه های عام («معاجم») و رساله های فراگیر (تحت عنوان «رسائل») نیز حاوی داده های جغرافیایی مفیدی اند.

همچنین اطلاعات جغرافیایی را می توان به صورت جزئی و موضعی از برخی منابع تاریخی اسلامی، سفرنامه ها (تحت عنوان «رحلات»)، تبارشناسی قبایل عرب (تحت عنوان «انساب») و زندگی نامه های شخصیت ها (تحت عنوان «تراجم» و «طبقات») استخراج کرد. منابع به کار رفته در این تحقیق شامل نسخ خطی با کتابت مؤلف یا غیر مؤلف، کتب چاپ سنگی و چاپ سربی و همچنین فایل های الکترونیکی برگرفته از سامانه های معتبرند.



کرونولوژی سیاسی و مراحل تاریخی

مجموعه منابع به کار رفته به لحاظ تاریخ نگارش آن‌ها، یک بازه زمانی از دهه میانی سال‌های ۸۰۰ الی دهه میانی سال‌های ۱۹۰۰ میلادی را در بر می‌گیرند. از میان انواع روش‌های متعارف برای ارائه مستندات موجود در منابع اسلامی ما روش ارائه کرونولوژیک را برگزیدیم و مراحل مختلف تحولات سیاسی در منطقه و به تبع آن تغییرات مهم در نقشه سیاسی ارمنستان، تبیینات جغرافیایی را به صورت بازتابی از واقعیت‌های تاریخی بیان کرده‌ایم.

مراحل ابتدایی رشد و تکامل علم جغرافیا در جهان اسلام با دوران آخر استقلال و سلطنت دودمان باگراونی‌ها (۸۸۵-۱۰۴۵) در ارمنستان مصادف می‌شود. در قرون هشتم الی یازدهم میلادی، ارمنستان به رغم فشارهای سیاسی فراوان و تعدی گسترده از سوی کشورهای مجاور، تلاش بزرگی برای حفظ موجودیت مستقل خود داشته و سرانجام زیر حملات مستمر امپراتوری بیزانس از یک سو و سلاجقه ترک از سوی دیگر استقلالش را از دست داد. بر همین اساس دوره اول از ابتدا تا سال ۱۰۴۵ (سقوط شهر آنی پایتخت ارمنستان) در نظر گرفته شده که عمده تبیینات جغرافیایی دانشمندان اسلامی از ارمنستان حاکی از وجود کشوری باستانی و پادشاهی و نسبتاً قدرتمند در منطقه است.

دوره دوم مربوط به یک برهه سخت مهاجرت اجباری بخشی از ساکنان ارمنستان (خصوصاً ساکنان شهر آنی و حوالی آن) به سمت ایران، آناتولی، سواحل جنوبی دریای سیاه و کیلیکیا (سواحل شمالی دریای مدیترانه) و مبارزه جمعی برای بقای فیزیکی، حفظ هویت ملی و دینی و احیای بقایای سلطنت باگراونی است. در این دوره از سال ۱۰۸۰ دوک‌نشین‌های مستقل ارمنی در کیلیکیا (به ترتیب دودمان‌های روبینیان، هتومیان و لوسینیان) شکل گرفتند و در تقابل سیاسی و نظامی جانفرسا با مغول‌ها، مملوکین مصری و عثمانی‌ها نهایتاً در سال ۱۳۷۵ از میان رفتند. تعدادی از منابع اسلامی مربوط به این دوره، علاوه بر تبیین جغرافیای ارمنستان به ذکر کیلیکیا تحت عناوینی مانند «الارمینیه الصغری»، «ثغور الارمینیه» و غیره پرداخته‌اند.

دوره سوم سرآغاز دورانی مملو از ظلمت و تیره‌روزی ملت ارمنی است که انحطاط کامل استقلال، امحای فیزیکی و آوارگی بخش بزرگی از این ملت و اشغال و انهدام ارمنستان را امپراتوری عثمانی به همراه داشته است. ابتدای این دوره با حملات خاندان قره‌قویونلو به ارمنستان آغاز شده و از اوایل قرن شانزدهم میلادی به تدریج با فتح نهایی ارمنستان را سلاطین عثمانی ادامه یافته است. نکته قابل تأمل در آثار جغرافیایی دانشمندان اسلامی این دوره این است که فارغ از جابجایی‌های مستمر قدرت در منطقه، تبیینات جغرافیایی در باره مرزهای سیاسی ارمنستان کماکان به همان منوال گذشته صورت گرفته است.

دوره چهارم مربوط دوران استعمار نوینی است که پس از اتمام جنگ اول روس و ایران (۱۸۱۳) و متعاقب آن امضای عهدنامه‌های «گلستان» و «ترکمنچای» آغاز شد و ملت ارمنی بار دیگر طعم تلخ تقسیم مجدد سرزمین آبا و اجدادی خود را چشید و این بار استیلای امپراتوری تزاری روسیه بر بخش شرقی ارمنستان را تجربه کرد. در این دوره برخی از جغرافیدانان اسلامی موضوع تقسیمات جدید در ارمنستان را نیز در نظر گرفته‌اند. ولی با وجود این اغلب آنان باز همان حقایق تاریخی مربوط به ارمنستان را اساس تبیینات خود قرار داده‌اند.

دوره پنجم بیانگر فضای سانسور شدید حاکم بر عرصه‌های سیاسی عثمانی بعد از جنگ روس و عثمانی (۱۸۷۷-۱۸۷۸) است که برای تاریخدانان و جغرافیدانان اسلامی خصوصاً عثمانی، مصری، لبنانی و آلبانیایی محدودیت‌های بسیاری در استفاده از واژه ارمنستان یا ارمنیه به وجود آورد. پس از اتمام این جنگ و ارائه پیش‌نویس معاهده صلح را روسیه تزاری، سلطان عبدالحمید دوم پادشاه مستبد عثمانی به اهمیت ژئواستراتژیک ارمنستان غربی پی برد و طی یک واکنش مکانیکی صرف دستور حذف واژه ارمنستان از آثار و منابع را در اواسط دهه ۱۸۸۰ صادر کرد (مصادیق این موضوع بعداً شرح داده خواهد شد). خلا علمی ناشی از این سیاست سانسور اجباراً باعث بروز تناقض‌گویی‌ها و تحریفات فجیع در آثار تاریخی و جغرافیایی بسیاری از دانشمندان اسلامی در امپراتوری شد و طبعاً پیامدهای نامطلوب فراوانی به دنبال داشت.

دوره ششم شامل برهه زمانی از سرنگونی سلطان عبدالحمید (۱۹۰۸) تا پیروزی حرکت ملی مصطفی کمال (بعدها آتاتورک) در سال ۱۹۲۲ می‌شود. غیر از یک برهه پنج‌ساله موسوم به دیکتاتوری سه نفره^۱ از شروع جنگ دوم بالکان (۱۹۱۳) تا شکست عثمانی در و سرنگونی این دیکتاتوری در سال ۱۹۱۸، در ابتدای این دوره به دلیل پیروزی مشروطیت در عثمانی و سپس در انتهای آن به دلیل سیاست‌های اعتدال‌گرایانه دولت داماد فرید پاشا آزادی عقیده و بیان به صورت نسبی برقرار شده و

۱. یا همان دیکتاتوری پاشاها طلعت، وزیر داخله و سپس صدراعظم، انور، وزیر جنگ و جمال، وزیر درباری عثمانی.

سیاست سانسور دولتی عبدالحمید عملاً متوقف شد. در این دوره بسیاری از کتب تاریخی و جغرافیایی توقیف و یا سانسور شده مجوز چاپ یا چاپ مجدد همراه با تصحیح دریافت کردند و واژه ارمنستان از حذف و حصر درآمد. به تدریج با قدرت گرفتن مصطفی کمال مجدداً سیاست سانسور دولتی، به موازات سیاست تحریف و دستکاری عرصه‌های تاریخ و جغرافیا، با هدف کتمان حقایق و انگیزه‌های نسل‌کشی ارمنیان در خلال سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۸ به کار گرفته شد. در این دوره بجز منابع ایرانی، سایر منابع عثمانی و عربی کمابیش از سیاست سانسور متأثر بوده‌اند.